

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶  
(ص ۱۳-۲۳)

## توصیف گویش تاتی اسفرورینی

راحله ایزدی فر\*

### چکیده

تاتی اسفرورینی از جمله گویش‌هایی است که در منطقه رامند در جنوب و جنوب غربی قزوین در دامنه کوه رامند رایج هستند. اسفرورینی در تقسیم‌بندی‌های یارشاطر همراه با تاکستانی و چالی در گروه رامندی شمالی و تاتی جنوبی قرار داده شده است. نگارنده در این مقاله به توصیف این گویش پرداخته و نمونه‌ای از واژه‌های آن را از مآخذ گوناگون گرد آورده است.

**کلیدواژه‌ها:** تاتی اسفرورینی، زبان‌های ایرانی شمال غربی، تاکستان قزوین

## درآمد

اسفرورینی گونه ای از تاتی است که اکنون در شهر اسفرورین، مرکز بخش اسفرورین در شهرستان تاکستان استان قزوین رایج است. اسفرورینی از گویش‌های زبان تاتی از شاخه زبان‌های ایرانی شمال غربی به شمار می‌رود. تاتی اسفرورینی از جمله گویش‌هایی است که در منطقه رامند در جنوب و جنوب غربی قزوین در دامنه کوه رامند رایج هستند و در تقسیم‌بندی‌های یارشاطر همراه با تاکستانی و چالی در گروه رامندی شمالی و تاتی جنوبی قرار داده شده است (Yarshater 1969b: 22). شهر اسفرورین (نام محلی: اسوورین، اسپرین، اسپرین) بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ کشور دارای ۱۲۶۱۵ نفر جمعیت و ۳۲۲۵ خانوار بوده است.

## پیشینه پژوهش

نخستین بار هنینگ در سال ۱۹۵۰ از تاکستان دیدن کرد و در سخنرانی خود در انجمن لغت‌شناسی لندن در سال ۱۹۵۳ توجه محققان را به گویش این منطقه جلب نمود. پس از آن، یارشاطر در چند سفر در فاصله سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۳ با بازدید از روستاهای این منطقه از جمله اسفرورین، پیکره‌ای از اشعار شفاهی، داستان‌ها، قطعات توصیفی و یادداشت‌های زبان‌شناختی اسفرورینی گردآورد. نخستین توصیف از ویژگی‌های اسفرورینی از سوی یارشاطر (1962) ارائه شده است. او در آثار دیگر خود به توصیف ویژگی‌های جنس دستوری اسفرورینی (1969a) و توصیف حروف اضافه پسین این گویش (1969c) پرداخته است. کامل‌ترین توصیف از ویژگی‌های زبانی اسفرورینی نیز در کتاب دستور گویش‌های تاتی جنوبی به قلم احسان یارشاطر (1969b) به دست داده شده و شامل بررسی ویژگی‌های واجی، صرفی و نحوی این گویش است.

## ویژگی‌های آوایی

همخوان‌های اسفرورینی عبارتند از:  $p, b, f, v, t, d, s, z, \check{s}, \check{z}, y, \check{c}, \check{j}, k, g, x, G, h, m, n, l, r$ . واژه‌های این گویش ۷ عدد و شامل  $a, \hat{a}, i, u, o, \ddot{o}, e$  هستند (Yarshater 1969b: 51). کشش واژه‌ها

اجباری است و اغلب در نتیجه تلفظ نکردن  $h$ ،  $ʔ$  یا نیم‌واکه‌ها اتفاق می‌افتد، برای مثال: *ahrâ*، *a:râ* «فردا»، *âvâl*، *ahvâl* «شرایط، اخبار». تکیه واژگانی در اسفرورینی متمایزکننده، و پیرو قوانین خاصی است که جایگاه آن را قابل پیش‌بینی می‌کند؛ برای مثال در اسم‌های مذکر تصریف‌نشده، تکیه بر روی هجای آخر و در اسم‌های مؤنث مختوم به *-a* بر روی هجای ماقبل آخر قرار می‌گیرد و در افعال امری، شرطی، و تمثالی، تکیه بر روی هجای نخست است، مثال: *úgur* «بگیر» (ibid.: 58-59).

### ویژگی‌های صرفی

شاخص‌ترین ویژگی اسفرورینی در صرف، تمایز جنس دستوری مذکر و مؤنث است که در اسم‌ها، ضمیر شخصی و اشاره سوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد برخی موارد فعلی از جمله زمان حال فعل، گذشته ساده و گذشته کامل نشان داده می‌شود، برای مثال: *hasan qettar-e* «حسن قدکوتاه است» در مقابل *mâgâva qettar-â* «گاو (ماده) قدکوتاه است»؛ *â bekat* «او (مذکر) افتاد» در مقابل *âya bekata* «او (مؤنث) افتاد»؛ *boma/bomi* «او (مذکر / مؤنث) آمد»، *â bešia bu* «او (مذکر) آمده بود» در مقابل *âya bešia ba* «او (مؤنث) آمده بود» (ibid.: 204). در اسفرورینی ابزار خاصی برای تعریف اسم وجود ندارد، اما از *-i* «یک» به عنوان حرف تعریف نکره استفاده می‌شود، مثال: *bâbâm i kâqaz benvešt barâye bibia-fur-em* «پدرم برای پسرعمه‌ام نامه‌ای نوشت»؛ *berâr-un-a i-š gâdem-kâri-š miard* «از برادران، یکی گندم‌کاری می‌کرد». اسم‌های تصریف‌نشده که به صورت مفرد هستند به معنای اسم عام یا جمع نیز به کار می‌روند، مثال: *ke varg çârâ-š pâra niari* «تا اینکه گرگ‌ها گوسفندهای او را ندرند» (Yarshater 1969b: 66). ویژگی مهم دیگر این گویش حفظ حالت غیرمستقیم در اسم‌ها و ضمایر است. نشانه‌های حالت اسفرورینی در جدول شماره ۱ نشان داده شده‌اند:

جدول ۱: نشانه‌های حالت در اسفرورینی (Yarshater 1969b: 84)

شمار فرد	شمار جمع	حالت مستقیم
مذکر: $\emptyset$	مذکر و مؤنث: <i>-end</i>	
مؤنث: <i>-a</i>		
مذکر: <i>-e</i>	مذکر و مؤنث: <i>-o(n)</i>	حالت غیرمستقیم
مؤنث: <i>-a</i>		

مثال: حالت مفرد مذکر غیرمستقیم *hasan-e ku uger* «آن را از حسن بگیر»؛ حالت مفرد مؤنث مستقیم *dö done-ni mâgâva-š dard* «او دو گاو داشت»؛ حالت مفرد مؤنث غیرمستقیم *barra-š ugerat* «بیل را برداشت»؛ *undi zeynaba* «بده به زینب»؛ حالت جمع مستقیم *bez-end bettatend* «بزها دویدند»؛ حالت جمع غیرمستقیم *mardak-o bezânâ* «بگذار مردها بدانند»؛ *čemen čöšt-o undi pinaduj beduji* «کفش‌هایم را به پینه‌دور بده تا بدوزد»؛ *šâr i-š bât-eš xâk(ar)-on-eš-a* «یکی از خواهرها گفت»؛ *bez-on-eš sar arbind* «او بزهایش را سر برید» (Idem: 84-85). حالت غیرمستقیم مختوم به *(a)r-zana/zanar* در اسفرورینی برای اشاره به روابط خانوادگی به کار می‌رود، مثال: *zana/zanar* «زن(همسر)»، *teta/tetar* «دختر(فرزند)»، *pur/purar* «پسر(فرزند)»؛ مثال‌هایی در جمله: *čemen mâr hamberâ beša* «با مادرم برو»؛ *čemen xâkar/zanar aziat* «زن(همسر)/خواهرم/همسرم را اذیت نکن»؛ *dommâs čemen berâr* «به برادرم بچسب»؛ *hasan-e čoponar mazan* «چوپان حسن را نزن»؛ *berâr-em ku uger* «از برادرم بگیر»، *xâkar-on-eš-a* «از میان خواهرانش» (Yarshater 1969b: 94-95).

به‌طور کلی حالت مستقیم برای نشان دادن اسم‌های زیر به کار می‌رود:

الف) فاعل، مثال: *berâ-m boma* «برادرم آمد»؛ *mardak-end/zan-ind* *bomiand* «مردها/زن‌ها آمدند»؛ *ki-and xarâb âbind* «خانه‌ها خراب شدند».  
 ب) حالت ندایی، مثال: *bât-eš hasan kuâ miši?* «(او) گفت حسن کجا می‌روی؟»

ج) عامل، مثال: *hasan azira pelâ-š boxo* «حسن دیروز پلو خورد»؛ *hasan mammad-eš mo râho bind* «حسن محمد را در راه دید».

د) مفعول نکره، مثال: *čârâ alafundi* «به گوسفند علف بده».

ه) در برخی موارد مفعول مستقیم معرفه، مثال: *hasan-e das dommas* «دست حسن را بگیر».

و) در برخی موارد مفعول غیرمستقیم *čul maša* «به چراگاه برو»؛ *hasan bešo ša:r* «حسن به شهر رفت».

ز) مفعول بعضی از حروف اضافهٔ پسین.

حالت غیرمستقیم برای نشان دادن اسم‌های زیر به کار می‌رود:

الف) حالت اضافی، مثال: *hasan-e das maškenj* «دست حسن را نشکن».

ب) مفعول مستقیم معرفه، مثال: *pul-i undi hasan-e em* «پولت را به حسن بده»؛ *em alaf-e undi miša* «این علف را به گوسفند (ماده) بده»؛ *kio xarâb biarâ* «خانه‌ها را خراب کن»؛ *em mardak-o bazanâ* «این مردها را بزن».

ج) در برخی موارد مفعول غیرمستقیم.

د) مفعول برخی از حروف اضافهٔ پسین، مثال: *alafundi asb-e râ* «به اسب علف بده»؛ *mardako ku âvâl agirâ* «از مردها پیرس» (Yarshater 1969b: 96-116).

بقایایی از تلقی دستوری متفاوت مفعول‌های جاندار و بیجان در اسفرورینی مشاهده می‌شود؛ مثال *asifa bekat* «سیب افتاد» در مقابل *miša bekat-a* «گوسفند (ماده) افتاد» (Yarshater 1962: 244).

یکی از ویژگی‌های اسفرورینی استفاده از حروف اضافهٔ پسین است. حروف اضافهٔ پسین زیر در اسفرورینی به کار می‌روند:

الف) *ku* «از»، مثال: *hasane/zeynaba ku ugur* «از حسن / زینب بگیر»؛ *berâr-öm ku âvâl âgir* «از برادرم پیرس»؛ *darviše ku âparsâ* «از درویش پیرس»؛ *mardako ku âparsâ* «از مردها پیرس».

ب) *a* «در، از، بیرون از»؛ مثال: *ša:r-a gâv i-š sad tömena* «در شهر گاو صدتومان است»؛ *mo raz-a bekatia* «در باغ خوابیده است»؛ *asb-a betars* «از اسب بترس»؛ *pöšte bar-a barra-š ugurt* «او بیل را از پشت در برداشت»؛ *xâkar-eš-a i-š bâteš* «از بین خواهرها یکی گفت»؛ *jâ bar-a bigir* «(آن) را از آن در بردار»؛ *jâ divâr-a uvij* «(آن) را از آن دیوار بردار».

ج) *râ* «برای، به»، مثال: *hasan-e râ pul undi* «به حسن پول بده»، *miša râ* «بریزد» (Yarshater 1969b: 134-136).

*alafdiarâ* «به گوسفند (ماده علف بده)»؛ *kargo râ don diari* «(که) برای مرغ‌ها دانه

حروف اضافه پیشین در اسفرورینی معدود هستند، مثال: *hasan mammad-eš mo* «حسن محمد را در راه دید»؛ *mo raz katia* «در باغ خوابیده است» (Yarshater 1969b: 139).

پسوند صفت برتر در اسفرورینی *-tar* است، مثال: *em âci x<sup>w</sup>âr-tar-e* «این از آن بهتر است» (ibid.: 140).

در برخی موارد مسند با مسندالیه مطابقت دارد، مثال: *hasan nâxoš bu* «حسن بیمار بود»؛ *zeynaba nâxoš ba* «زینب بیمار بود» (ibid.: 142).

ضمایر شخصی اسفرورینی دارای دو حالت مستقی و غیرمستقیم هستند و یک صورت واژه‌بستی نیز برای ضمایر وجود دارد. ضمایر اسفرورینی در جدول شماره ۲ نشان داده شده‌اند:

جدول ۲: ضمایر اسفرورینی (Yarshater 1969b: 147-153)

واژه‌بست	غیرمستقیم	مستقیم	
=m	čemen	az	اول شخص مفرد
=i	ešta	ta	دوم شخص مفرد
=š	âci	â	سوم شخص مفرد مذکر
=š	âcia	âya	سوم شخص مفرد مؤنث
=mo	čomâ	âmâ	اول شخص جمع
=yo	šomâ	šomâ	دوم شخص جمع
=šo	âčo	âyend, âyn	سوم شخص جمع

ضمایر اسفرورینی در موارد زیر به کار می‌روند:

- ضمایر مستقیم به‌عنوان فاعل و عامل، مثال: *az menome* «من نمی‌آیم»؛ *az nidiama* «من ندیده‌ام»؛ *âyend bešiant* «آنها رفتند»؛ *âyend nun-ešo* *bexord* «آنها نان خوردند»؛ *âyn bomianda* «آنها رفتند»؛ *âyn bindešo* «آنها دیدند».
- ضمایر غیرمستقیم به‌عنوان مفعول، ضمیر یا صفت ملکی، مفعول حرف اضافهٔ پسین، مثال: *čemen undi* «به من بده»، *âčo xoštan-i hamberâ beba* «آنها را با خودت ببر»، *âči mâl umagur* «مال او را بگیر»؛ *âči ku âvâl agir* «از او پرس».
- ضمایر واژه‌بستی به‌عنوان ضمیر ملکی، مفعول فعل و نیز اشاره به عامل در بندهای متعدی گذشته، مثال: *beza alaf=eš boxo* «بز علف خورد»؛ *âyn bind=ešo* *šomâ nun=yo bexord* «آنها دیدند (و) به ما گفتند»؛ *čomâ râ bâte=ešo* «شما نان خوردید» (Yarshater 1969b: 147-155).

ضمایر اشاره اسفرورینی به دو گروه دور و نزدیک تقسیم می‌شوند و در جدول‌های شماره ۳ و ۴ نشان داده شده‌اند:

جدول ۳: ضمایر اشاره نزدیک اسفرورینی (Yarshater 1969b: 171)

مستقیم	غیرمستقیم ۱	غیرمستقیم ۲	
<i>em</i>	<i>inči, emči</i>	<i>jindia</i>	مفرد مذکر
<i>ema</i>	<i>inčia, emčia</i>		مفرد مؤنث
<i>emen</i>	<i>inčo</i>		جمع

جدول ۴: ضمائر اشاره دور اسفرورینی (idem.)

مستقیم	غیرمستقیم ۱	غیرمستقیم ۲
مفرد مذکر	<i>â</i>	<i>âči</i>
مفرد مؤنث	<i>âya</i>	<i>âčia</i>
جمع	<i>âyend, âyn</i>	<i>âčo</i>
		<i>juro</i>

مثال‌هایی از کاربرد ضمائر اشاره در جمله:

**مستقیم:** *â inči x<sup>w</sup>ârtare* «آن از این بهتر است»؛ *emen-da âčo x<sup>w</sup>ârtarenda*  
 «و اینها از آنها بهترند»؛ *âyn-da inčo-y-ji x<sup>w</sup>ârtarenda* «و آنها از اینها نیز بهترند».

**غیرمستقیم ۱:** *inči/âči mâl u-ma-gur* «مال این یکی / آن یکی (او/مذکر / مؤنث))»  
 را نگیر»؛ *âči undi* «به آن یکی (او/مذکر)) بده»؛ *inči/emči ku ugur* «از این یکی بگیر»؛ *âčo ku u-ne-gurem* «من از آنها نمی‌گیرم»؛ *âči mebarema* «من آن یکی را می‌برم»؛ *âči bâr* «آن یکی (او/مؤنث)) را بیاور».

**غیرمستقیم ۲:** تنها در مفهوم بخشی<sup>۱</sup> به کار می‌رود: *dö dâna jindia/juro ugur* «دو تکه از این / آن بردار»؛ *sö dâna-ni juro ugur* «سه تکه از آن هم بردار» ( Yarshater 1969b: 171).

نظام فعلی اسفرورینی بر اساس دو ستاک حال و گذشته، چهار وجه امری، اخباری، التزامی و تمثالی، دو شمار مفرد و جمع، و سه شخص است و زمان دستوری با ستاک حال یا گذشته و افزودن پیشوندهای فعلی و پایانه‌های شخص ساخته می‌شود (ibid.: 180). ستاک حال مجهول معمولاً با افزودن تکواژ *-i* به ستاک حال معلوم ساخته می‌شود و ستاک گذشته مجهول با افزودن *-ast* به ستاک حال مجهول به دست می‌آید؛ مثال: *âyari-/âyarest-* «باز شدن»؛ *(me)škâji-/ (be)škâjest-* «ترک خوردن، شکافته شدن» (ibid.: 244-245).

<sup>1</sup> partitive



فعل سببی در زمان حال با افزودن یکی از تکواژهای سببی *enden .ten/den .en* به ستاک حال فعل ساخته می‌شود. ستاک گذشته سببی با افزودن *-as(s)* به ستاک حال سببی به دست می‌آید؛ مثال: *do-mâss-en!* «پچسبان»؛ *â-ppâč-en!* «پراکنده کن»؛ *be-ttaj-en* «بدوان» (ibid.: 247).

**ویژگی‌های نحوی:** ساخت کنایی در بندهای گذشته در اسفروینی بسیار تضعیف شده‌است و در این ساخت‌ها عامل با حالت مستقیم نشان داده می‌شود و مفعول همچون مفعول زمان حال تلقی می‌شود؛ مثال: *hasan azira pelâ-š boxo* «حسن دیروز پلو خورد»؛ *hasan mammad-eš mo râho bind* «حسن محمد را در راه دید». نظام مطابقت واژه‌بستی در این ساخت‌ها وظیفه نمایاندن فاعل فعل متعدی گذشته را انجام می‌دهد (دیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۱۸۴).

بیشتر اسفروینی‌ها دو یا سه‌زبانه هستند و علاوه بر تاتی قادر به صحبت کردن به فارسی و یا ترکی آذری هستند و این زبان‌ها بر گویش اسفروینی تأثیراتی گذاشته‌اند ( Yarshater 1969b: 27).

**نمونه‌ای از واژه‌های گویش اسفروینی:** *mâgâva* «گاو ماده»؛ *kala* «گاو نر»؛ *čosto* «کفش»؛ *marčîn* «گره»؛ *kelâgâ* «حیاط»؛ *raz* «باغ»؛ *kanča* «قاشق»؛ *karge* «مرغ»؛ *karxâ* «تخم مرغ»؛ *azire* «دیروز»؛ *apari* «پریروز»؛ *âru* «امروز»؛ *sâbâ* «فردا»؛ *pesarâ* «پس فردا»؛ *ašo* «امشب»؛ *kiya* «خانه»؛ *ambarâ* «لباس»؛ *kuâ* «کجا»؛ *bura* «آنجا»؛ *vâra* «برف»؛ *piya* «پدر»؛ *mâya* «مادر»؛ *berâ* «برادر»؛ *xâka* «خواهر»؛ *davaru* «لب»؛ *arišina* «آرنج»؛ *dim* «صورت»؛ *qašqa* «پیشانی».

**نمونه‌ای از ضرب‌المثل‌های گویش اسفروینی:** *zanyae mâgâva bedošâniyâ mâje* «زن نمی‌تواند گاو را بدوشد، می‌گوید دیوار اصطبل کج است»؛ *magar sorgâ xöle sanji čö sandališ barmâ?* «مگر می‌شود از چوب درخت سنجد صندلی ساخت؟»؛ *kala bozae sarčašme âva ânoxöre* «بز بدون شاخ از سرچشمه آب نمی‌خورد»؛ *karxâš mâle mardemoni, qodqodeš čömâ vareya* «تخم مرغش مال دیگران

است، قدقدش برای ماست»: *har jore bi âhene bar ehtiyâjš dey qeyne ba*؛ «هر طور باشد در آهنی نیازش به درب چوبی می‌افتد»: *âva benasestan* *čöyna bar* «به آب نرسیده شلوارت را درنیاور» (رحمانی ۱۳۹۰: ۲۶۹-۲۷۰).

### کتابنامه

تحقیقات میدانی مؤلف (گویشور محترم اسفروینی، جناب آقای جاسم ایراندوست).

تقسیمات کشوری ← درگاه ملی آمار ایران

دیپرومقدم، محمد (۱۳۹۲)، *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی* (جلد ۲)، تهران: سمت.

درگاه ملی آمار ایران ← <https://www.amar.org.ir>

رحمانی، محسن (۱۳۹۰)، *تاریخ و فرهنگ تات در استان قزوین*، تاکستان: انتشارات سال.

Yarshater, E. (1962), "The Tāti Dialects of Rāmand", , *A Locust's Leg. Studies in Honour of S. H. Taqizadeh*, W. B. Henning and E. Yarshater (eds.), London, pp. 240-45, 1962.

----- (1969a), "Distinctions of Feminine Gender in Southern Tati", *Studia Classica et Orientalia Antonio Pagliaro Oblata III*: 281-301, Rome.

----- (1969b), *A Grammar of Southern Tati Dialects*. The Hague: Mouton.

----- (1969c), "The Use of Postpositions in Southern Tati", V. *Minorsky Memorial Volume*, pp. 221-55, Tehran.

## Description of *Tâti Esfarvarini* Dialect

*Raheleh Izadifar*

*Bu-Ali Sina University, Hamadan*

### *Abstract*

*Tati Esfarvarini* is one of the dialects spoken in the Râmand region in the south and southwest of Qazvin, on the slopes of Mount Râmand. *Esfarvarini*, is classified by Yarshater in Northern *Râmândi* and Southern Tati groups alongside *Tâkestâni* and *Čâli*. The author in this article attempts to describe this dialect and has collected a sample of its vocabulary from a variety of resources.

**Keywords:** *Tâti Esfarvarini, Northwestern Iranian Languages, Tâkestân of Qazvin*